

نگاهی به کتاب فضایل علی ابن ابی طالب (ع) و کتاب الولاية از محمد بن جریر طبری

طبری و طرق حدیث غدیر

رسول جعفریان

آنهایی که با نام محمد بن جریر طبری آشنا هستند، تاریخ طبری وی را نیز در یاد دارند، اثری که از جمله منابع معتبر در سیره نویسی و تاریخ نگاری اسلام به شمار می آید. همچنین تفسیر طبری بر قرآن کریم نیز از جمله آثار ماندگار و مورد استفاده ای است که از این مورخ و مفسر نامدار به یادگار مانده است. به تازگی و به کوشش رسول جعفریان مورخ و پژوهشگر تاریخ اسلام، متن عربی کتاب «فضایل علی بن ابی طالب (ع) و کتاب الولاية» طبری تصحیح و از سوی «انتشارات دلیل» روانه بازار نشر شده است. این کتاب کم حجم، بخش های به جای مانده از کتاب اصلی است که تاکنون به دست آمده است. آقای جعفریان بر این اثر مقدمه عالمانه ای نگاشته اند که در آن به اهمیت این اثر از دیدگاه مورخان و فقیهان و سیره نویسان بنام اسلام اشاره شده است. بخش های مهمی از این مقدمه با اندکی تلخیص و البته حذف برخی از ارجاعات و اشارات عربی ایشان از نظر شما گرامیان می گذرد.

نام مختلف شده است. دلیلش آن است که قدامد نقل از این قبیل کتابها، گاه به اقتضای موضوع کلی کتاب، نامی را که خود می خواستند و آن را مطابق با محتوای کتاب می دیدند، بر آن اطلاق می کردند.

نکته دیگر آن که، آنچنان که از این نامها بر می آید، برخی نام مجموعه ای از مطالب متنوع است که کنار هم قرار گرفته و برخی دیگر از این نامها، نام بخشی و فصلی از همان کتاب است که احياناً به صورت مستقل نیز تدوین شده است. برای نمونه، عنوان فضائل اهل البيت یا مناقب اهل البيت - که این طلوس برای کتاب طبری از آن یاد و استفاده کرده - نامی کلی است که حدیث الولاية می توانسته بخشی از آن باشد؛ بخشی که خود به صورت کتابی مستقل نیز درآمده است.

عنوان کتاب الولاية - افزون بر آن که مکرر توسط استفاده کنندگان از این اثر بکار رفته - توسط این شهر آشوب در اثری کتابشناسانه عنوان شده است.^۴ عنوان دیگر الرد علی الحر قوصیه در رجال التجاشی آمده و تصریح شده است که کتابی است از طبری مورخ عامی مذهب در باره حدیث غدیر: «له کتاب الرد علی الحر قوصیه، ذکر طرق خبر یوم الغدیر». این طلوس نیز تصریح کرده است که طبری نام کتابش را الرد علی الحر قوصیه گذاشته است.^۵ عقیده ابن طلوس بر آن است که انتخاب این نام به این سبب بوده است که احمد بن حنبل از نسل حر قوص بن زهیر، رهبر خوارج بوده و به همین دلیل از سوی طبری این نام انتخاب شده است.^۶ روزنتال این احتمال را مطرح کرده است که حر قوص در لغت به معنای مگس یا پشه باشد و به احتمال، طبری این تعبیر را برای ابوبکر بن ابی داود سجستانی، که کتاب الولاية را در رد بر او نوشته است، به قصد تحقیر او، استفاده کرده است.^۷ شاید بتوان این احتمال را نیز افزود که این نام، اشاره به فلسفه نگارش این اثر دارد که طبری آن را در رد بر فردی ناصبی نگاشته است. از آنجا که خوارج دشمن امام علی (ع) بوده اند و حر قوص بن زهیر رهبر آنان بوده، طبری چنین نامی را برای کتاب خود انتخاب کرده تا حنابله افراطی را خارجی و ناصبی مسلک نشان دهد. نه آن که بحث از نسب احمد در میان بوده باشد.

عنوان رساله فی طرق حدیث غدیر نیز، عنوانی است که با مضمون کتاب به راحتی سازگار است.^۸ در این میان، کالبرگ عنوان کتاب الولاية و کتاب المناقب را در دو جا آورده است؛ در حالی که خود وی به این نکته اشاره دارد که ممکن است کتاب الولاية بخشی از کتاب فضائل یا کتاب مناقب بوده باشد.^۹

آنچه در عمل رخ داده، این است که استفاده کنندگان از این کتاب، گاه نام کتاب فضائل علی (ع) یا مناقب را آورده اما حدیث غدیر را نقل کرده اند؛ درست همان طور که کسانی چون ابن شهر آشوب در مناقبه نام کتاب الولاية را آورده و فضائل را از آن نقل کرده اند. پیداست که دقتی در این کار صورت نگرفته است.

اکنون که بنای جمع آوری نقلهای برجای مانده این کتاب است، بهتر است احادیثی که از این کتاب در فضائل اما بجز حدیث غدیر نقل شده به عنوان کتاب فضائل و احادیث

محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری املی (۲۲۴-۳۱۰) محدث مفسر، فقیه و مورخ برجسته سنی مذهب قرن سوم و اوائل قرن چهارم هجری، شخصیت و عالمی شناخته شده است که درباره او تحقیقات و مطالعات فراوانی صورت گرفته و نیازی به تکرار آن در اینجا نیست.^۱ در مقایسه او و نوشته هایش با آنچه که از عالمان بغداد این قرن می شناسیم، بدون تردید می توان برتری وی را در بیشتر زمینه های علمی مانند فقه، حدیث، تفسیر و به ویژه تاریخ بر معاصرانش تشخیص داد. به علاوه، در تاریخ تفکر سنی، به لحاظ کثرت تألیفات خوب و ماندنی، تنها می توان او را در ردیف برخی از بزرگترین مؤلفان سنی مانند خطیب بغدادی، ابن جوزی، شمس الدین ذهبی و ابن حجر قرار داد. نفوذ چشمگیر نوشته های او، به ویژه دو کتاب تاریخ و تفسیر او بر آثاری که پس از او نگارش یافته، برای شناخت برجستگی او کافی است.

مادر باره معتقدات مذهبی او در جای دیگری به تفصیل سخن گفته و شرایط مذهبی ناهنجار حاکم بر بغداد را که سبب شد تا طبری در برابر حنابله و افراطیون اهل حدیث قرار گیرد، شرح داده ایم.^۲ بدون مطالعه آن مطالبه دست کم نمی توان دلیل تمایل طبری را به نگارش اثری تحت عنوان کتاب الولاية را که گردآوری طرق حدیث غدیر است، دریافت.

حنابله بغداد، که دشمنی با امام علی علیه السلام را از دوران اموی به ارث برده بودند، به صراحت به انکار فضائل امام می پرداختند. این انکار به حدی بود که خشم این فقیه عالم محدث سنی اهل حدیثی را برانگیخت.^۳ به علاوه، نگرش حدیثی و اخباری عثمانی مذهبها و اصراشان بر برخی از احادیث معمول اما منسوب به پیامبر (ص)، سبب شد تا آنان اجازه کوچک ترین تخطی از ظواهر احادیث مزبور را به دیگر دانشمندان دنیای اسلام ندهند. در این میان طبری که خود را یک سر و گردن بالاتر از همه آنان و حتی احمد بن حنبل می دید، این فشار را بر تنافت و در زمینه های مختلف، به مخالفت با اهل حدیث پرداخت.

در این باره که چرا طبری کتاب الولاية را تألیف کرده در عنوان بعدی، سخن خواهیم گفت. آنچه در اینجا باید عرض کنیم این است که، بدون تردید این اثر که اصل آن - بر حسب اطلاعات موجود - برجای نمانده، کتابی است از محمد بن جریر طبری مورخ معروف بغداد. در این باره، در کهن ترین منابع از یک نسل پس از طبری تا قرن دهم، نصوص متقنی در اختیار است که آنها را مرور خواهیم کرد. این درست است که یک یا دو طبری دیگر هم داریم که یکی از آنها شیعه و صاحب المسترشد^۴ و دیگری نویسندة کتاب دلائل الامامة است.^۵ اما احتمال نسبت دادن کتاب طرق حدیث غدیر به آن عالم شیعه، ناشی از بی اطلاعی از نصوص متقن تاریخی و به کلی ناشی از حدس و گمانهایی غیر تاریخی است.^۶

عنوان کتاب

طبق معمول، کتاب طبری، مانند بسیاری از رساله ها و کتابهای کهن، دارای چندین

غدير هم تحت عنوان كتاب الولاية گردآوری شود.

كتاب غدیر و مناقب طبری در اختیار چه کسانی بوده است؟

تا آنجا که آگاهییم، این کتاب، در اختیار چندین نفر از مؤلفان، مورخان و محدثان بزرگ اسلامی تا قرن نهم بوده است.^{۱۵} فهرست اجمالی نام این افراد عبارت است از: قاضی نعمان اسماعیلی (م ۳۶۳) که بیشترین نقل را از این کتاب دارد. نجاشی (۴۵۰-۳۷۲) که نام کتاب را یاد کرده و طریق خود را به آن یاد آور شده است. شیخ طوسی (م ۴۶۰) همین طور. یاقوت حموی (م ۶۲۶) که گزارشی از چگونگی تالیف این اثر به دست داده است. ابن بطریق (م ۶۰۰) که به تعداد طرق نقل حدیث غدیر در این کتاب تصریح کرده است. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸) که او نیز نام این کتاب را در شرح حال او آورده و در جای دیگر خبر شمار طرق نقل شده برای حدیث غدیر در این کتاب را ارائه کرده و در المناقب در چندین مورد از آن نقل کرده است. ابن طووس (م ۶۶۴) نیز که هم از آن یاد و هم نقل کرده است. شمس الدین ذهبی (م ۷۴۸) که آن را دیده و چندین حدیث از آن نقل کرده است. ابن کثیر (م ۷۷۴) که کتاب را دیده و چندین روایت نقل کرده است و ابن حجر (م ۸۵۲) که او نیز کتاب را دیده است.

در واقع این مطلب به قدری واضح و روشن است که نیازی به اثبات آن نیست. گفتنی است که در سالهای اخیر هیچ کس به اندازه استاد علامه مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی که عمرش را وقف تحقیق درباره امیر المؤمنین و اهل بیت (ع) کرده به معرفی این اثر نپرداخت.^{۱۶}

انگیزه طبری در تالیف کتاب الولاية

در باره علت تالیف کتاب الولاية از سوی طبری، در چندین منبع، به آن اشاره شده است. خلاصه ماجرا آن است که عالمی سجستانی نام - فرزند سجستانی صاحب سنن - مطلبی در انکار حدیث غدیر گفت که سبب تالیف این اثر از سوی طبری شد. در متون کلامی شیعه نیز در وقت بحث از غدیر به اشکال ابوبکر عبدالله ابن ابی داود سلیمان سجستانی اشاره شده و به برخورد طبری نیز با او اشارت رفته است. از جمله سید مرتضی در الذخیره سخن سجستانی را باطل دانسته و به برخورد طبری با او اشاره می کند.^{۱۷} همو در الشافی با اشاره به این که خبر غدیر را تمامی راویان شیعه و سنی روایت کرده اند، به عنوان اشکال، از انکار سجستانی یاد کرده است. شریف مرتضی در پاسخ جدای از آن که اظهار کرده است که نظر سجستانی، نظر شاذ و نادری است از تبری بعدی او در مواجهه با طبری، از این نظرش هم یاد کرده است.^{۱۸} در همین منابع، آمده است که سجستانی این نسبت را تکذیب کرده و گفته است که وی نه اصل حدیث بلکه منکر این شده است که مسجد غدیر خم آن روزگار هم وجود داشته است.

تالیف کتاب الولاية و اتهام به تشیع

همان گونه که ذهبی اشاره کرده است، طبری به دلیل تالیف این اثر، متهم به تشیع گردید.^{۱۹} زیرا اهل حدیث غدیر را نمی پذیرفتند و اگر هم می پذیرفتند، اجازه تالیف کتابی در طرق آن را که می توانست دستاویز شیعیان شود، به کسی چون طبری که امامی شناخته شده بود، نمی دادند. از همین روست که شاهدیم بخاری که تنها و تنها روایات موجود در دوایر اهل حدیث را ارائه می کند، از ذکر این حدیث با داشتن آن هم طریق خودداری ورزیده است.

اگر نگارش کتابی دیگر از سوی طبری را در باره حدیث الطیر که صحت آن بی تردید افضل بودن امام علی (ع) را بر همه صحابه ثابت می کند، مورد توجه قرار دهیم، زمینه اتهام تشیع به طبری روشن تر می شود. ابن کثیر در باره این کتاب نوشته است: و رایت فیه مجلدا فی جمع طرقه و الفاظه لابی جعفر محمد بن جریر الطبری المفسر صاحب التاريخ. در ادامه اشاره می کند که ابوبکر باقلانی کتابی در تضعیف طرق و دلالت این روایت در رد کتاب طبری نوشته است.^{۲۰}

به هر روی روشن است که طبری در شرایطی مانند شرایط بغداد، با تسلطی که حنابله داشتند یا داشتن تالیفی در حدیث غدیر و جامع تر از آن، تالیف اثری در فضائل

علی بن ابی طالب (ع) می بایست به تشیع متهم می گردید.

کسی که طبری را متهم به تشیع می کرد، سجستانی - فرزند سجستانی صاحب سنن - بود که خود متهم به ناصبی گری بود. به همین دلیل، زمانی که به طبری خبر دادند سجستانی فضائل علی (ع) را روایت می کند، گفت: تکبیرة من حارس.^{۲۱}

ذهبی پس از نقل این مطلب از دشمنی موجود میان آنان سخن گفته است. همو نقل هایی درباره ناصبی گری او دارد که البته آن را انکار می کند.^{۲۲} ابن ندیم، در شرح حال سجستانی یاد شده، اشاره می کند که کتاب تفسیری نوشت، و این بعد از آن بود که طبری کتاب تفسیرش را نوشت.^{۲۳} این هم نشانی از رقابت آنهاست.

ناصری گری سجستانی سبب شد تا ابن فرات وزیر او را از بغداد به واسط تبعید کند و تنها وقتی که قدری از فضائل امام علی (ع) را روایت کرد، علی بن عیسی او را به بغداد بازگرداند. پس از آن شیخ حنابله شد!

تشیع طبری! ^{۲۴}

در اینجا پیش از وارد شدن در بحث از روایت غدیر در کتاب طبری، این پرسش مطرح است که آیا آنها همین نکته سبب اتهام تشیع به طبری شده است یا نکته و مطلب دیگری هم مطرح بوده و اصولا این که چرا طبری، به رغم آن که در تاریخ و تفسیر خود به نقل حدیث غدیر نپرداخته، یکبار در سالهای پایانی عمر، به تالیف کتابی در باره طرق حدیث غدیر و حدیث طبر که می توانسته عواقب خطرناکی برای او داشته باشد دست می زند؟ آیا ممکن است به جز ردیه نویسی، تغییری در بینش مذهبی طبری رخ داده باشد؟ چنین احتمالی با توجه به شخصیتی که از طبری و آثار او می شناسیم، بعید می نماید جز آن که این مساله زاویه بلکه زوایای دیگری نیز دارد که بر ابهام آن می افزاید. قصه از این قرار است که ابوبکر محمد بن عباس خوارزمی (زندگی ح ۳۱۶-۳۸۳)^{۲۵} ادیب معروف قرن چهارم هجری که از شاعران برجسته و پر آوازه دوره آل بویه بوده و از نظر باورهای مذهبی، فردی شیعه مذهب بوده،^{۲۶} به عنوان خواهرزاده طبری معرفی شده و ضمن شعر، تشیع خود را مربوط به تشیع دایی های خود، یعنی خانواده همین ابن جریر طبری کرده است.

الولاية و استفاده کنندگان از آن

در جمع باید گفته در مقایسه میان کسانی که از این کتاب طبری مطلبی نقل کرده اند، قاضی نعمان در شرح الاخبار، بیشترین استفاده را برده است. جز آن که همان گونه که گذشت، وی اسناد طبری را در نقل احادیثه بسان بیشتر موارد کتاب، حذف کرده است. از این رو، در نقل حدیث غدیر از کتاب طبری، روایات نقل شده در آن کتاب را مفصل نیآورده، زیرا آنها سندی متفاوت بوده است. با این حال تصریح دارد که طبری بابی خاص را به روایت غدیر اختصاص داده که در رد بر ابوبکر سجستانی است. سجستانی گفته بود که در سفر حجة الوداع، علی (ع) همراه پیامبر (ص) نبوده و به همین دلیل، اساساً روایت غدیر نادرست است.

پس از قاضی نعمان، شخص دیگری که از کتاب الولاية طبری بهره برده، باید به ابن عبدالبر اندلسی (۳۶۸-۴۶۳) اشاره کرد که در بخش زیبای مربوط به شرح حال امام علی (ع) در کتاب الاستیعاب سه حدیث به نقل از طبری آورده است.^{۲۷} البته هیچ تصریحی بر این مطلب نیست که وی از کتاب الولاية یا کتاب الفضائل بهره برده باشد، اما به هر روی، طبیعی است که طبری این احادیث را در کتاب فضائل علی (ع) خود آورده باشد.

ابو جعفر رشیدالدین محمد بن علی معروف به ابن شهر آشوب به این شهر آشوب (م ۵۸۸) از دیگر کسانی است که از کتاب الولاية و کتاب المناقب یاد و از آن نقل کرده است.

ابن شهر آشوب در موارد زیادی از کتاب مناقب از کتاب الولاية بهره برده، اما این که مستقیم از این کتاب بهره برده یا نه، روشن نیست؛ آنچه مهم است این که نقلهای او از این کتاب، بجز اندکی، در منابع دیگر نیامده است. وی که معمولاً در ابتدای جمله منبع خود را می آورد، می نویسد: «حلیة ابونعیم و ولاية الطبری، قال النبی...».^{۲۸} یا می نویسد: «ابن مجاهد فی التاريخ و الطبری فی الولاية».^{۲۹} در یک مورد هم نوشته

است: «الطبریان فی الولاية و المناقب»^{۳۱} بدون تردید مقصود او دو کتاب الولاية و المناقب طبری است. در جای دیگری: «و الطبری فی التاریخ و المناقب»^{۳۲} از آن روی که وی در عبارتی می نویسد طبری حدیث طبر را در کتاب الولاية آورده^{۳۳} روشن می شود که او عنوان کتاب الولاية را اعم از کتاب فضائل می دانسته است. وی یک بار هم در متشابه القرآن از تعبیر الطبری فی الولاية یاد کرده است.^{۳۴}

نکته دیگری این که این شهر آشوب، گاه به صراحت از کتاب الولاية و گاه از تاریخ طبری نقل می کند، اما در مواردی بدون یاد از کتاب خاصی، حدیثی را از وی نقل کرده است. طبعاً با توجه به این که محتوای برخی از این نقل ها فضائل امام علی (ع) است می توان حدس زد که موارد یاد شده نیز از کتاب الولاية است.

ابن طاوس (م ۶۶۴) از هر دو کتاب طبری یاد کرده و به نقل مواردی از کتاب مناقب او در کتاب الیقین پرداخته است.

وی می گوید که طبری مناقب را باب باب آورده است اما این که این تقسیم بندی بایی بر چه اساس بوده است چندان روشن نیست.

سپس ابن طاوس عبارتی از خطیب بغدادی در ستایش ابن جریر طبری آورده که عیناً در شرح حال طبری در تاریخ بغداد (۱۶۲/۲) آمده است.^{۳۵} آنگاه با تأکید بر این که این نقل را آورده تا پایه استدلال خویش را استوار کرده باشد.

سپس متن احادیث را آورده است. ابن طاوس اشاراتی نیز به کتاب الولاية دارد که در جای دیگری به نقل از الطرائف آورده ایم.

گذشت که ذهبی یک مجلد از کتاب دو جلدی طبری را در طرق حدیث غدیر دیده و از کثرت طرق یاد شده در آن، حیرت زده شده است. ذهبی که به احتمال به تقلید از طبری - رساله مستغنی در طرق حدیث غدیر نوشته، در مواردی، روایاتی از کتاب طبری نقل کرده است.

گذشت که ابن کثیر نیز از این کتاب یاد کرده است. وی در دو مورد از کتاب البداية و النهایة از حدیث غدیر سخن گفته است. نخست در حوادث سال دهم هجرت از آن یاد کرده و برخی از طرق آن را آورده است.^{۳۶} دوم در پایان زندگی امیر مؤمنان (ع) در ضمن فضائل آن حضرت، برخی از طرق حدیث غدیر را آورده، اما یادی از کتاب طبری نکرده است.^{۳۷}

وی سپس اشاره می کند به این که رسول خدا (ص) در بازگشت از حج در غدیر خم، فضیلتی از فضائل امام علی (ع) را آشکار ساخت.

سپس اشاره می کند که بنادر برخی از طرق آن را نقل کند و چنین می کند. از طرقی که نقل کرده، بخشی از کتاب طبری است. از آنچه در کتاب البداية آمده چنین بر می آید که ابن کثیر رساله او را در طرق حدیث غدیر در اختیار داشته است.

زین الدین علی بن یونس عاملی در مقدمه کتاب الصراط المستقیم خود فهرستی از منابعی را به دست داده و از جمله نام کتاب الولاية طبری را آورده است.^{۳۸} در جای دیگری نیز، ضمن بر شمردن آثار سنن ابن بابویه (ع) از کتاب طبری آغاز کرده می نویسد: «فصنف ابن جریر کتاب الغدیر و ابن شاهین کتاب المناقب...»^{۳۹} بر همین قیاس نقلهایی از این کتاب را در کتابش آورده که به ظن قوی، آنها را از ابن شهر آشوب، ابن طاوس یا منابع دیگر گرفته است. از میان این نقل ها، یک نقل مفصل از زیدین ارقم به نقل از کتاب الولاية طبری دارد که علامه امینی نیز ظاهراً آن را از بیاضی نقل کرد.^{۴۰} و البته این عبارت، در جای دیگری دیده نشد.

گفتنی است که وی گاه به صراحت از کتاب الولاية طبری یاد کرده، گاه از طبری مطلبی آورده و نامش را در کنار دیگر روایان اهل سنت نهاده که باید طبری مورخ باشد. در برابر از تاریخ الطبری در چندین مورد یاد کرده^{۴۱} همچنان که از طبری شیعه و کتابش المستتر شد^{۴۲} نیز مطالبی آورده است. در مواردی که تنها به ارائه نام طبری اکتفا کرده روشن نیست که مقصودش کدام طبری است.^{۴۳} در یک مورد نیز از کتاب المناقب طبری یاد کرده که مطلب نقل شده، درباره ابوبکر است.^{۴۴}

یکی دیگر از کسانی که به تفصیل روایاتی در فضائل امام علی (ع) از طبری نقل کرده عالم محدث برجسته اهل سنت علاء الدین علی مشهور به متقی هندی (م ۹۷۵) است. وی در بخش فضائل امام علی (ع) از کتاب کنز العمال^{۴۵} شمار زیادی روایت نقل کرده و در

قَالَ مَوْلَانَا عَلِيٌّ الْمُرْتَضَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
... وَ هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ حِطْمُ مَسْتَوْرٍ مِنَ اللَّهِ الْقَنِينِ
لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ وَلَا يَدُلُّهُ مِنْ تَرْجُمَانٍ وَإِنَّمَا
بَقْوَعِنَهُ الرِّجَالُ... فَادْلُحْكُم بِالصِّدْقِ
فِي كِتَابِ اللَّهِ فَفِي الْجَوْنِ النَّاسِ بِهِ وَإِنْ حُكِمَ
لِسِنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
فِيهِ أَوْلَاهِيُمْ بِهِ.

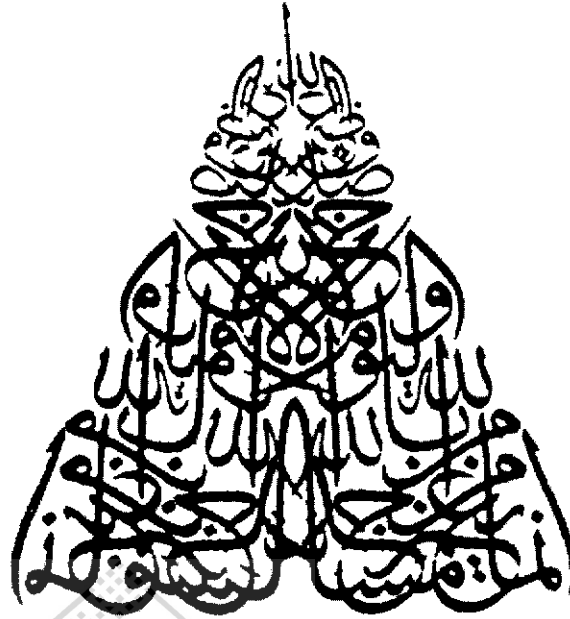
... در این روایت علی مرتضی است که در این روایت گوید: «و اگر کسی که
و ترجمانی نماید، و مردمان آن زمین را گویند و در سخنش شنند، پس از روی حق و داد گویند
و او را گویند که سزاوارتر از هر مردی است و اگر بخت با مرتضی علیه السلام کرد آن سزاوارترین

انتهای آنها نام ابن جریر را نهاده است. متقی هندی در مقدمه کتاب می گوید: اگر به طور مطلق نام ابن جریر را آورده باشد مقصودش کتاب تهذیب الآثار اوست و در صورتی که از کتاب تفسیر یا تاریخ باشد، به این نکته تصریح کرده است. از آنجا که روایات انتخاب شده از وی در باب فضائل اهل البیت به طور یقین در کتاب مناقب اهل البیت (ع) او نیز بوده و بخشی از آنها طرق حدیث غدیر است. می توان این احادیث را نیز به عنوان بخشی از کتاب فضائل یا کتاب الولاية طبری دانست. گفتنی است که تنها برخی از بخش های تهذیب الآثار بر جای مانده و بیشتر این روایات در بخش موجود چاپ شده نیست.

در دوره اخیر علامه امینی (۱۳۲۰-۱۳۹۰ قمری) در الغدیر به این کتاب عنایت داشته و به نقل از کنز العمال و البداية و النهایة حدیث غدیر را به روایت طبری در الغدیر آورده است.^{۴۶} استاد مرحوم سید عبدالعزیز طباطبائی (م ۱۴۱۶) نیز کتاب الولاية را در میان آثار وی که اهل سنت در باره اهل بیت (ع) نگاشته اند، آورده اند.^{۴۷}

پی نوشت ها:

۱- بنگرید: تاریخ الاسلام ذهبی، ۳۱۰-۳۲۰/۳۲۹-۲۸۶ در باورقی آنجا دهها منبع



- ۱۴- کتابخانه ابن طاوس، ص ۲۸۶، ش ۱۷۱؛ ص ۳۹۸، ش ۳۵۶
- ۱۵- شگفت آن که فواد سزگین (تاریخ التراث العربی، مجلد الاول، ج ۱، التنوین تاریخی، ص ۱۶۸) به هیچ روی متوجه منقولات این کتاب طبری نشده و از آن در فهرست کتابهای طبری یاد نکرده است. وی تنها در پاورقی همان صفحه، به نقل از برو کلمان و با اشاره به سخن نجاشی، از رساله الرد علی الحر قوصیه یاد نموده، بدون آن که به باقی مانده‌های این اثر مهم در کتابهای بعدی اشاره کند.
- ۱۶- الغدیر فی التراث الاسلامی، صص ۲۷-۳۵؛ اهل البيت فی المكتبة العربیة، صص ۶۶۱-۶۶۴
- ۱۷- الذخيرة ص ۴۴۲ (تصحیح سید احمد حسینی اشکوری). به رغم آن که در هر دو نسخه کتاب، این قید شده که مقصود ابوبکر فرزند ابن ابی داود سجستانی صاحب سنن است، مصحح تصور کرده که آن خطاست و نام خود سجستانی را در متن آورده است!
- ۱۸- الشافی فی الامامة ج ۲، ص ۲۶۴ (تصحیح سید عبدالزهراء الخطیب، تهران، مؤسسه الصادق (ع)).
- ۱۹- طرق حدیث من کنت...، ص ۶۲. واصله بمثل جمع هذا الكتاب نسب الی الشیع.
- ۲۰- البداية و النهایة ج ۷، ص ۳۹۰ (دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳)
- ۲۱- تاریخ الاسلام ذهبی ۳۱۰-۳۲۰، ص ۵۱۶
- ۲۲- همان، ص ۵۱۷
- ۲۳- الفهرست، ص ۲۸۸ (تصحیح تجدد).
- ۲۴- بارها نوشته‌ایم که اتهام به تشیع با اتهام به رفض متفاوت است. در این باره به بحثهای مقدماتی کتاب تاریخ تشیع در ایران جلد نخست، مراجعه فرمایید.
- ۲۵- در باره سال تولد وی بنگرید به مقدمه دیوان ابی بکر الخوارزمی، دکتر حامد صدقی، ص ۱۰۷
- ۲۶- بنگرید به نامه او به شعیبان نیشابور در رسائل الخوارزمی، چاپ بیروت، ص ۱۶. استاد صدقی تمامی عباراتی که در نوشته‌های ابوی تشیع می‌دهد، در مقدمه دیوان ابی بکر الخوارزمی (تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۶) صص ۱۱۵-۱۱۷ آورده است.
- ۲۷- المناقب ج ۳، ص ۴۸
- ۲۸- همانجا، ج ۳، ص ۶۷
- ۲۹- المناقب ج ۳، ص ۷۰؛ ج ۴، ص ۷۳
- ۳۰- همانجا، ج ۳، ص ۱۲۹
- ۳۱- همانجا، ج ۲، ص ۲۸۲
- ۳۲- مشابه القرآن، (قم، انتشارات بیدار، ۱۴۱۰) ج ۲، ص ۴۱
- ۳۳- در جای دیگری هم (الیقین باختصاص مولانا علی بامیر المؤمنین، تصحیح الاصراری، قم، دارالکتاب، ۱۴۱۳، ص ۴۸۷) نقلهای دیگری در ستایش طبری از سوی علمای اهل سنت آورده است.
- ۳۴- البداية و النهایة ج ۵، صص ۲۲۷-۲۳۳ (بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲)
- ۳۵- همان، ج ۷، صص ۳۸۳-۳۸۷
- ۳۶- الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۹
- ۳۷- همانجا، ج ۱، ص ۱۵۳
- ۳۸- الغدیر، ج ۱، ص ۲۱۴؛ بنگرید: الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۳۰۱
- ۳۹- الصراط، ج ۳، ص ۷۹، ۸۱، ۱۶۲
- ۴۰- همانجا، ج ۱، ص ۴؛ ج ۳، ص ۲۵۵
- ۴۱- همانجا، ج ۱، ص ۲۴۶. در ج ۱، ص ۲۶۱ نام وی را در ردیف نویسندگان شیعه مانند ابن بطریق و ابن بابویه آورده که احتمال آن که مقصودش طبری شیعه باشد را تقویت می‌کند.
- ۴۲- الصراط، ج ۱، ص ۲۳۳؛ و اسناد ابن جریر الطبری فی کتاب المناقب الی النبی...، ص ۴۳، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹
- ۴۳- در باره کتاب الولایه بنگرید: الغدیر، ج ۱، ص ۱۵۲
- ۴۵- الغدیر فی التراث الاسلامی، (بیروت، دارالمؤرخ العربی، ۱۴۱۴)، صص ۳۵-۳۷؛ اهل البيت فی المكتبة العربیة (قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۷) صص ۶۶۱-۶۶۴، ش ۸۵۲

- برای شرح حال وی آمده است. نیز لسان المیزان، ج ۵، ص ۷۵۷، ش ۷۱۹۰ به همین ترتیب مأخذ شرح حال وی از مصادر مختلف فراهم آمده است. سیوطی در رساله‌ای که با عنوان التنبیه بمن یعننه الله علی راس کل مائة نگاشته طبری را از کسانی دانسته، که شایسته است فرد بر گزیده در آستانه سال ۳۰۰ هجری باشد. بنگرید: خلاصة عیقات الانوار، ج ۶، ص ۹۴ (قم، ۱۴۰۴) به نقل از رساله یاد شده.
- ۲- طبرانی (م ۳۶۰) محدث بزرگ و صاحب سه معجم صغیر، اوسط و کبیر، وقتی از طبری نقل می‌کند او را با «الطبری الفقیه» یاد می‌کند؛ بنگرید: المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۲۹۲
- ۳- بنگرید به مقاله «اهل حدیث و کتاب صریح السنة طبری» در «مقالات تاریخی»، دفتر دوم، و نیز مقاله «نقش احمد بن حنبل در تعدیل مذهب اهل سنت» در «مقالات تاریخی» دفتر ششم.
- ۴- ابن قتیبه با اشاره به برخورد واکتشی اهل حدیث در برابر رافضه که مقام علی (ع) را بیش از حد بالا می‌برند، به کوتاهی آنها در نقل احادیث فضائل امام اشاره کرده می‌نویسد که آنان او را از ائمه الهدی خارج کرده از جمله ائمه فتن می‌دانند و عنوان خلافت را برای او ثابت نمی‌کنند بهانه آن که مردم بر او اجتماع نکردند، اما در عوض بزرگین معاویه را خلیفه می‌دانند چون مردم بر او اجماع کرده‌اند.
- ۵- تحقیق احمد المحمودی، قم، مؤسسه الثقافة الاسلامیة لکوشانیور، ۱۴۱۵ (بنگرید به مقدمه مصحح).
- ۶- تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة مؤسسه البعثة، قم، ۱۴۱۳
- ۷- بنگرید به: البداية و النهایة ج ۱۱-۱۲، ص ۱۶۷، ذیل حوادث سال ۳۱۰؛ ذریعه، ج ۱۶، ص ۳۵؛ شرح الاخبار، ج ۱، صص ۱۳۱-۱۳۲، پاورقی. کلبرگ با اشاره به حدس آقابرزگ در این که مقصود از کتاب مناقب اهل البيت که ابن طاوس آن را به طبری مورخ نسبت داده، کتابی از طبری شیعی است، می‌نویسد: ظاهراً هیچ منبعی حدس آقابرزگ را تأیید نمی‌کند. کتابخانه ابن طاوس، ص ۳۹۸، ش ۳۵۶
- ۸- معالم العلماء (ص ۱۰۶، ش ۷۱۵)؛ و بنگرید: عمدة عیون صحاح الاخبار، ابن بطریق، ص ۱۵۷
- ۹- رجال النجاشی، ص ۳۲۲، ش ۸۷۹
- ۱۰- اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۳۰ (قم، ۱۴۱۵)
- ۱۱- الطرائف، ص ۱۴۲
- ۱۲- کتابخانه ابن طاوس، ص ۲۸۸
- ۱۳- در باره اطلاعات بیشتر در این زمینه، بنگرید: کتابخانه ابن طاوس، ص ۲۸۶